

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مناقشه‌ی دلیل سوّم مرحوم صاحب جواهر بر عدم نسخ سوره‌ی مائده

دلیل سوم مرحوم صاحب جواهر که استناد به یک روایت مرسلی از امام باقر (علیه السلام) در ذیل آیه‌ی دوم سوره‌ی مائده (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ النَّبِيِّ الْحَرَامَ يَنْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرَضُوا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) که حضرت فرموده‌اند: «إِنَّهُ لَمْ يَنْسَخْ مِنْ هَذِهِ السُّورَةِ شَيْءٌ وَلَا مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ» را بیان کردیم. این آیه مربوط به وظایفی در باب حج است. در این که مراد از «شعائر» چیست؟ مرحوم طبرسی در مجمع البیان هشت معنا به عنوان احتمالاتی ذکر کرده است که نمی‌خواهیم به آنها بپردازیم؛ برای «قلائد» نیز چهار معنا ذکر کرده‌اند که خود مراجعه کنید.

آیه می‌فرماید: حریم شعائر الهی را نشکنید؛ هم‌چنین حریم شهر حرام که قتال در آن حرام است را نگاه دارید؛ و آن قربانی که به حج برای قربانی کردن می‌آورند را مصرف دیگر نکنند؛ فرق بین هدی و قلائد این است که در «هدی»، قربانی نشانی ندارد؛ اما در «قلائد» که جمع قلاده است، یک چیزی به گردن حیوان می‌انداختند برای این که معین باشد این حیوان را به عنوان قربانی می‌خواهند قرار دهند.

وَلَا آمِينَ النَّبِيِّ الْحَرَامِ کسانی که قصد زیارت خانه‌ی خدا را دارند را موجب اذیت و آزار قرار ندهید. همه‌ی کسانی که قصد بیت الله دارند، از هر قبیله و عشیره‌ای که باشند، یکسان هستند و نباید موجب ایدای آنها را فراهم کرد. در ذیل این آیه‌ی شریفه که تقریباً هشت دستور در آن وجود دارد، روایت امام باقر (علیه السلام) وارد شده که می‌فرماید: «لَمْ يَنْسَخْ مِنْ هَذِهِ السُّورَةِ شَيْءٌ وَلَا مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ» و مرحوم صاحب جواهر به این استدلال می‌کند؛ برای عدم نسخ سوره مائده و این که آیه‌ی شریفه وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ هم نسخ نشده و باید به آن عمل شود؛ عمل کردن به آن هم معنایش این است که نکاح با کتابیه جایز است.

اینجا وقتی به کتاب مجمع البیان مراجعه می‌کنیم، این روایت همانطوری که مرحوم صاحب جواهر نقل کرده، آمده است؛ که: «قِيلَ لَمْ يَنْسَخْ مِنْ هَذِهِ السُّورَةِ شَيْءٌ وَلَا مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ» بعد می‌گوید «عَنْ ابْنِ جَرِيدٍ وَهُوَ الْمُرَوِّى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَوَى نَحْوَهُ عَنْهُ الْحَسَنُ» از دو نفر یکی از حسن و یکی هم از امام باقر علیه السلام این روایت نقل شده است. در جلسه‌ی گذشته عرض کردم که صاحب مجمع البیان بیشتر مطالبش را از تبیان نقل می‌کند. لذا، وقتی به کتاب تبیان مرحوم شیخ مراجعه می‌کنیم، آنجا ندارد «لَمْ يَنْسَخْ مِنْ هَذِهِ السُّورَةِ» بلکه دارد «وَأَجْمَعُوا عَلَى أَنَّهُ نَسَخَ مِنْ حُكْمِ هَذِهِ الْآيَةِ شَيْءٌ إِلَّا ابْنَ جَرِيدٍ»

یعنی فقها اجماع دارند که از این آیهی دوم سورهی مائده چیزی نسخ شده است، - حالا کدام قسمتش نسخ شده، بحث است؛ اما همه اتفاق دارند که از این آیه چیزی نسخ شده است - و فقط تنها کسی که مخالفت کرده، ابن جریج است.

او گفته «لم ینسخ منها شیء» یعنی از این آیه چیزی نسخ نشده است؛ و از تعلیلی که آورده، معلوم می‌شود که خصوص این آیه مراد است و این تعلیل قرینه است بر اینکه فقط در خصوص این آیه دارد حرف می‌زند. می‌گوید: «لأنه لا یجوز أن یتبدأ المشرکون فی أشهر الحرم بالقتال إلا إذا قاتلوا» قتال در شهر حرم جایز نیست مگر این که مورد قتال واقع شوند و قتال کنند؛ یعنی جایز نیست که مسلمان‌ها حتی با مشرکین در شهر حرم قتال کنند، مگر این که خود مشرکین شروع به قتال کنند. و می‌گوید: «وهو المروی عن أبی جعفر علیه السلام».

بعد می‌گوید: «وقال الشعبي: لم ینسخ من المائدة غیر هذه الآية» شعبی هم می‌گوید از سورهی مائده این آیه نسخ شده است، اما بقیه نشده است. «قال أبو میسر: فی المائدة ثمانية عشر فريضة ليس منها شیء منسوخ» هیجده واجب در سورهی مائده آمده که هیچ کدام منسوخ نشده است. بعد می‌فرماید: «واختلفوا فیما نسخ منه» در آن چه که از این آیه نسخ شده است، اختلاف پیدا کرده‌اند. «قال بعضهم: نسخ جميعها» جمیع این آیه نسخ شده است «ذهب إليه الشعبي» شعبی می‌گوید تمام آیهی دوم سورهی مائده منسوخ است. مجاهد هم گفته است: «نسخها قوله: فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ». مجاهد گفته این آیه سورهی توبه تمام آیهی دوم سوره مائده را نسخ کرده است؛ مثل شعبی. «وبه قال قتادة والضحاك وحبيب بن أبی ثابت وابن زید» آنها هم همین نظر را دارند. پس، این شش نفر قائل هستند کل آیه منسوخ است. «وقال آخرون: نسخ منها قوله وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا ءَامِينَ النَّبْتَ الْحَرَامَ» بعضی‌ها گفته‌اند کل آیه منسوخ نیست؛ بلکه دو حکم آن، یکی این که در شهر حرام با اینها مقاتله نکنید، و دیگر این که اگر مشرک به قصد زیارت آمد متعرض او نشود، به وسیلهی آیه (فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ) نسخ شده است. همین دوتا فقط منسوخ شده است. ابن ابی عروبہ این را از قتاده نقل کرده است. بعد می‌فرماید «وبه قال ابن عباس» ابن عباس هم این نظر را دارد. نظر سوم این است: «قال قوم لم ینسخ منه إلا القلائد». عرض کردم صاحب مجمع البیان در مورد «قلائد» می‌گوید «وفیه أقوال» چهار قول در اینجا ذکر کرده که یک قول آن «قربانی» است؛ منتها قربانی که به گردن آن نشانی آویزان کنند.

قول دوم این است که «إن المراد بذلك القلائد التي كان المشركون يتقلّدونها إذا أرادوا الحجّ مقبلين إلى مكة» مشرکین وقتی می‌خواستند به طرف مکه بروند، از شاخه‌ی درخت خاصی بر گردنشان می‌انداختند و علامت بوده که اینها دارند به طرف بیت الله می‌روند؛ یعنی احتمال دوم این است که منظور از «قلائد» قربانی حج نیست. قول سوم این است که «أنه عني به المؤمنین نهام أن ينزعوا شيئاً من شجر الحرم يتقلّدون به كما كان المشركون يفعلونه في جاهليتهم» خدا نهی می‌کند از این که مؤمنان هم مثل مشرکین که در جاهلیت درختهای حرم را می‌کنندند و به عنوان قلائد بر گردنشان می‌انداختند، این کار را بکنند.

حال، گروهی گفته‌اند: در این آیه فقط «قلائد» نسخ شده است. صاحب کتاب تبیان (مرحوم شیخ طوسی) بعد از این که این سه نظر را نقل می‌کند، می‌فرماید: «وأقوى الأقوال قول من قال نسخ منها وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْقَلْدَ وَلَا ءَامِينَ النَّبْتَ الْحَرَامَ». تقریباً بین قول دوم و سوم جمع کرده است. مرحوم شیخ می‌فرماید: به نظر ما از این آیه، این سه قسمتش نسخ شده است. یکی این که با مشرکین در ماه حرام مقاتله نکنید. بعداً آیه آمد که مقاتله کنید. دوم اگر مشرکین قلائد بر گردنشان انداختند، کارشان نداشته باشید؛ که آیه آمد باز هم با آنها برخورد کنید. و سوم اگر مشرکین قصد بیت الله داشتند با آنها کاری نداشته باشید؛ که آیه آمد آنها را رها نکنید. می‌گوییم دلیل شما چیست؟ می‌فرماید: «لإجماع الأمة على أنه تعالى أحل قتال أهل الشرك في أشهر الحرم» اجماع داریم بر این که خداوند قتال مشرکین در شهر حرام و در غیر شهر حرام از شهر سال حلال شمرده است.

«وَأَجْمَعُوا أَيْضاً عَلَى أَنَّ مَشْرَكَاً لَوْ قُلِدَ لَهَا جَمِيعُ أَشْجَارِ الْحَرَمِ» اگر تمام چوبهای درختان حرم را بر گردن خودش بیندازد

«لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ أَمَانًا لَهُ مِنَ الْقَتْلِ إِذَا لَمْ يَتَقَدَّمْ لَهُ أَمَانٌ» این برای او امان از قتل نیست؛ مگر یک مشرکی که قبلاً از پیامبر(ص) امان دریافت کرده است که فقط او استثناست. (وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ) [۴]

نکته‌ای که هست، در ردّ بر مرحوم صاحب جواهر می‌گوییم: شما چرا قول شیخ طوسی در کتاب تبیان را فراموش کرده‌اید؟ شما می‌خواهید بفرمایید از این سوره چیزی نسخ نشده است، استنادتان هم به مجمع البیان است که او هم استنادش به تبیان شیخ است. در تبیان هم ندارد «لَمْ يَنْسَخْ مِنْ هَذِهِ السُّورَةِ»، بلکه فقط بحث آیه است «لَمْ يَنْسَخْ مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ» و این دلیل شما دیگر برای عدم نسخ سوره صحیح نیست. علاوه این که خود مرحوم شیخ طوسی اقوی الأقوال را این قرار داده است که شهر حرام، قلائد، و آمین البیت الحرام منسوخ واقع شده و دلیلش را اجماع قرار داده است. یعنی، اگر حرفها را هم بگذاریم کنار، مرحوم شیخ طوسی می‌گوید اجماع داریم که قتال با مشرکین در شهر حرام جایز است؛ خدا آن را حلال کرده است؛ پس، وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ منسوخ واقع شده است.

حال که اجماع داریم، نتیجه می‌گیریم این مقدار از آیه مسلماً منسوخ شده است. ممکن است کسی در اینجا اشکال کند که مرحوم شیخ از یک طرف در عبارت روایت می‌گوید «لَمْ يَنْسَخْ مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ شَيْءٌ» از یک طرف هم می‌گوید اجماع داریم بر این که با مشرکین در ماه حرام می‌شود مقاتله کرد. جوابش این است که این روایت سند معتبری ندارد؛ و به صورت مرسل از امام باقر علیه السلام نقل شده است؛ بنابراین، نمی‌توانیم به این روایت مرسل استناد کنیم. و یا آن که بگوییم بر فرض که این روایت، صحیح هم باشد، اما فقها از آن اعراض کرده و توجهی به آن نکرده‌اند. پس، تا اینجا در هر سه دلیل از ادله‌ی مرحوم صاحب جواهر که به عنوان دلیل‌های محکم است مناقشه و اشکال کردیم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.